

## از سوگ سیاوش تا تعزیه امام حسین (ع)

### گیسو فکوری نوشاد

سوگ سیاوش و یا سیاوشان، نام آئین و نیز اماکنی است که در آن سوگ سیاوش برگزار می شده. لغت سیاوش به نقل از لغت نامه معین به معنای دارنده اسب سیاه است. سیاوش نخستین نفر از کیانیان است که نام او با اسب ساخته شده است.

آئین سوگ سیاوش از ابتدایی ترین نمایشهای آئینی و مذهبی ایران به شمار می آید. روشنترین مدرکی که از این دوره بجا مانده مطلبی است درباره ی تعزیه مردم بخارا بر مرگ سیاوش، که پایه ای در افسانه و دنباله ای در واقعیت دارد. در "تاریخ بخارا" که به سال 332 هجری شمسی توسط "ابوبکر محمد النرشخی" به عربی تالیف یافته است و سپس در 522 هجری شمسی بوسیله ی "ابونصر قبادی" به فارسی ترجمه شده، در فصل ذکر بنای ارگ بخارا، نخست کشته شدن سیاوش بدست افراسیاب را از "خزاین العلوم" نوشته "ابولحسن نیشابوری" نقل می کند و سپس می گوید: "مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه هاست، چنانکه در همه ی ولایت ها معروفست، و مطربان آنرا ساخته اند و قوالان آنرا گریستند، مغان خواندند و این سخن زیادت از سه هزار سالست .... (نرشخی، 1892: 21 و 22).

و در جایی دیگر فصل ذکر بخارا و جاهایی که مضاف است، در شرح جنگ کیخسرو با افراسیاب به خونخواهی سیاوش گوید: "و اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سرودهای عجب است و مطربان آنرا کین سیاوش گویند، و محمد بن جعفر گوید که از این تاریخ سه هزار سالست و الله اعلم" (نرشخی، 1892: 51).

گفته کوتاه نرشخی بیان می کند که قدمت عزاداری بر مرگ سیاوش قدمت سه هزار ساله دارد. "الکساندر مونگیت" باستانشناس روس در کتاب خود (Arcohaeology in the.u.s.s.R - چاپ مسکو - 1959) تصویری از یک مجلس سوگواری برای سیاوش آورده که آنرا از نقش های دیواری شهر سندی "پنج کند" واقع در دره ی زرافشان - به فاصله ی شصت و پنج کیلومتری سمرقند - بدست آورده و ظاهراً متعلق است به سه قرن پیش از میلاد است. (تصویر نقاشی دیواری ذکر شده را با کیفیت خوب یافت نکردم، تصویر سیاه سفید آن در کتاب نمایش در ایران بهرام بیضایی صفحه 22 موجود است).

تصویر کتاب مونگیت را کمی بررسی می کنیم:

چنانکه معلوم است مردان و زنان گریبان دریده اند و به سر و سینه خود میزنند، یک "عماری" (عماری به نقل از فرهنگ عمید: کجاوه، هودج، تخت روان مانندی که تابوت مرده را در آن می گذارند که به گورستان ببرند. (عمید، 1358) به دوش چند نفر است که آنرا حمل می کنند. اطراف عماری باز است و سیاوش یا شبیه سیاوش در آن خفته است. به نظر میرسد که نقاش اصل دیواری این نقش را دیده بوده و سپس آنرا ترسیم کرده است. این مجلس شبیه به ماجرای حمل عماری در دسته های دوره های اسلامی است. (در مورد مراسم نخل گردانی در عزای امام حسین (ع) که شباهت فراوانی به این مراسم دارد توضیح داده خواهد شد).



تصویر شماره 1

پیکره سفالی زاری کنندگان بر سیاوش (سده های ششم تا هشتم . سغد )

به نظر میرسد جز بخارا در جاهای دیگری هم این چنین رسمی بوده است . در بر پا کردن این مراسم , گذشته از حمل عماری , قوالان داستانهای تاجر زندگی و مرگ سیاوش را حکایت می کردند و مردم می گریستند. احتمال دارد که در این میانه پرده هم می گردانیدند و یا یک شبیه نیز مجلس هایی از زندگی سیاوش را بازی می کرده است . (در مورد شباهت شبیه خوانی در تعزیه امام حسین (ع) و شباهت آن به مراسم ذکر شده توضیح داده خواهد شد).

یکی از سرودها به نام کین سیاوش تا قرنهای بعد باقی مانده است , به طوری که نظامی گنجوی هنگام شمردن سی لحن بارید از آن به زمان خسرو پرویز یاد می کند.

چو زخمه راندی از کین سیاوش      پر از خون سیاوشان شدی گوش

تصور می رود واقعه های دیگری نیز که مشهور و مورد توجه مردم بوده است در ایران پیش از اسلام به همین ترتیب بازی میشده , چون داستان "کین ایرج" که مطربان بر آن آهنگی ساخته بودند و نظامی در همان بخش که گفته شد آنرا ذکر کرده است. (بیضایی , 1344: 21 - 25 )

چو کردی کین ایرج را سر آغاز      جهان را کین ایرج نو شدی باز

گسترده گی سوگ سیاوش در ایران از آنجا معلوم میشود که چند روستا در این منطقه از هرات تا مازندران و جنوب آشتیان و یک مسجد در شیراز هنوز نام سیاوش دارد , همچنین نشانه های سوگ سیاوش بر آثار سفالی کهن خوارزم و فرارود "ماوراء النهر" , نقاشی های دیواری پنج کند سغد , آثار سفالی جدیدتر و نیز در برخی از آتین های عزا و تعزیه در ایران امروز باقی مانده است . شواهد دیگری از بخش اصیل اسطوره سیاوش در جاهای دیگر , از جمله هنر مینیاتور ایران هم باز مانده است . (سیاوشان , 1384 : 15 ) .



تصویر شماره 2

سیاوش سوار بر اسب (نقاش: ناشناس)

به جز منطقه معروف به خوارزم (پنج کند, افراسیاب, سمرقند, رخش, .....), در جاهای دیگری از ایران نیز آثاری از سیاوشان باقی مانده است, مثل روستاهای سیاوشان در تمام ایران و برخی اماکن مثل مسجد سیاوش در شهر شیراز . (سیاوشان ، 1384: 27 و 28) (ملوک الارض و الانبیاء , حمزه اصفهانی).

و اما داستان کشته شدن سیاوش به دست اسفندیار :

"کاووس" شاه ایران زنی را از خاندان گرسیوز به همسری برمی گزیند , از وی پسری به دنیا می آید که او را "سیاوش" می نامند. کاووس شاه تربیت سیاوش را به رستم می سپارد. رستم وی را به زابلستان برده او را در تمام هنرها سرآمد می نماید. سیاوش وقتی به سن جوانی می رسد از رستم می خواهد که وی را به نزد پدر ببرد. کاووس که در آن زمان زنی به نام "سوداوه" را به همسری برگزیده بود , از دیدن فرزند برومند خود شاد می شود و فرمانروایی خراسان شرقی را به وی می سپارد. سوداوه, همسر شاه با دیدن سیاوش شیفته وی می شود و او را به شبستان دعوت می نماید.



تصویر شماره 3

## شیفته شدن سوداوه بر سیاوش (نگاره از علی اصغر تجویدی)

سیاوش سر باز می زند و می گوید: این اندیشه را در مغز وی جایی نیست و رضای خداوند را طالب است، دین به دنیا نمی فروشد و به پدر خیانت نمی کند. سوداوه خشمگین شده و جامه از تن خود می درد و به فریاد بر می آید که سیاوش قصد بی آبرویی داشته است. کاووس با خبر می شود و با اینکه به بی گناهی پسر مطمئن بود از سیاوش می خواهد که بی گناهی خود را ثابت کند و به پیش نهاد پیران قوم از او می خواهد که از میان دو کوه آتش بگذرد، که آتش بر بی گناهان زبانی نمی رساند.



تصویر شماره 4

رد شدن سیاوش از آتش (احتمالا از شاهنامه شاه طهماسب)

سیاوش از میان آتش به سلامت می گذرد و کاووس حکم مرگ سوداوه را صادر می کند. سیاوش از عشق پدر به سوداوه آگاه بود و می دانست پدر پشیمان خواهد شد پس از وی می خواهد که سوداوه را ببخشد. از طرفی خبر میرسد که افراسیاب به مرز ایران لشکر کشیده است. سیاوش به خاطر رهایی از حيله های سوداوه از پدر می خواهد که وی را به جنگ با افراسیاب بفرستد. رستم و سیاوش به جنگ با تورانیان عازم می شوند.



تصویر شماره 5

سیاوش و سپاه ایران در برابر توران (احتمالا از شاهنامه شاه طهماسب)

سپاه ایران تورانیان را تا مرز رود جیحون پس رانند. سیاوش به پدر نامه نوشته و از وی طلب دستور نمود، کاووس گفت دست از جنگ بردارد تا افراسیاب به آن طرف رود عقب نشینی کند تا بتوانند شکستش بدهند. افراسیاب خشنود از متوقف شدن جنگ بود که خوابی دید هولناک که تعبیر آن شکست تورانیان بود. پس برای سیاوش هدایای فراوان فرستاد تا آشتی کنند. سیاوش از پدر دستور خواست و کاووس گفت صد تن از نزدیکان افراسیاب را که گروگان گرفته ای به پایتخت بفرست و هدایای وی را بر آتش بیانداز و بر افراسیاب بتاز و سپاه وی را شکست بده. سیاوش سر باز میزند و گروگانان را به افراسیاب پس می دهد و صلح را می پذیرد و خود نیز از شاه توران خواست تا به وی اجازه دهد از کشورش بگذرد تا در گوشه ای از دنیا زندگی آسوده ای را آغاز کند. افراسیاب شادمان شد و از سیاوش دعوت کرد تا در توران زندگی کند. سیاوش پذیرفت و به بلخ رفت و به پیشنهاد پیران قوم دختر افراسیاب را به نام "فرنگیس" به همسری پذیرفت. سیاوش فرمانروایی توران شرقی را بر عهده گرفت و در ختن شهری بنا کرد که "سیاوش گرد" خوانده شد که در زیبایی رشک بهشت برین بود. برادر افراسیاب، "گرسیوز" به سیاوش حسادت ورزید و نزد وی از سیاوش بدگویی کرد. شاه نامه ای برای سیاوش نوشت و از وی دعوت کرد تا به پایتخت بیاید. گرسیوز نامه را برای سیاوش برد. گرسیوز سیاوش را فریب داد که افراسیاب قصد کشتن وی را دارد و نباید به پایتخت بیاید. سیاوش به افراسیاب نامه نوشت که به دلیل بیماری فرنگیس نمی تواند به پایتخت برود. نامه را به گرسیوز داد تا به افراسیاب برساند و خود جامه رزم پوشید. آن مرد حيله گر همین را دلیل سرپیچی سیاوش بیان کرد و فرمان قتل سیاوش را گرفت. در آن زمان فرنگیس باردار بود و سیاوش به وی گفت که پسری به دنیا خواهد آورد که نام او را کیخسرو خواهد نامید. سر انجام شاه فرمان قتل سیاوش را صادر کرد و "گروی زره" تثنی نهاد و سر سیاوش را از تن جدا کرد. ماجرای کشته شدن مظلومانه ی سیاوش بر زبانها چرخید و همانطور که می دانیم "حکیم ابوالقاسم فردوسی" حماسه ی مرگ سیاوش را در کتاب شاهنامه به نظم کشیده است و این واقعه را برای هزاران سال ماندگار کرده است. (سوگ سیاوش- شاهرخ مسکوب).



تصویر شماره 6

صحنه قتل سیاوش (نقاش - ناشناس)

### تعزیه

"شبه گردانی" یا "شبه خوانی" یا "تعزیه" نمایشی بوده است که در اصل بر پایه ی قصه ها و روایات مربوط به زندگی و مصائب خاندان پیامبر اسلام و خصوصا وقایع و فجایعی که در محرم سال 61 هجری در کربلا برای امام حسین (ع) و خاندانش پیش آمد (شهریاری، 1365)

به راه انداختن دسته های عزاداری در دوره اسلامی صورت مذهبی بخود گرفت. برگزاری دسته های سوگواری در ایران سابقه طولانی دارد و پیش تر ماجرای نوحه بر مرگ سیاوش را از این مقوله دیده ایم. این سنت نتیجه ی همان روحیه ی عزاداری می باشد که حین انتقال برخی عناصر فرهنگ بین النهرین به ایران، به سرزمین ما رسیده است. اما دسته های عزاداری اسلامی بنا بر استنتاج خیلی ها - از جمله شهادت کتاب "احسن القصص - از زمان عهد الدوله دیلمی (نیمه ی دوم قرن چهارم ه - قمری) آغاز یا علنی شد و در زمان صفویه و بعدها قاجاریه توسعه یافت و شکل های تازه تری پیدا کرد که هنوز هم بقایای آنها را می توان در گوشه و کنار یافت. ولی تعزیه نامه ها را امروز ما قطعی می دانیم که در اواسط قرن دوازدهم نگارش تعزیه باب بوده است. زیرا در اوایل قرن سیزده ( 1217 ش) "خوچکو" یک مجموعه ی سی و سه تایی تعزیه نامه را بدست آورده و می دانیم که سراسر قرن سیزدهم تعزیه نویسی مراحل خود را میگذراند و از اوایل قرن حاضر یعنی قرن چهاردهم تقریبا دیگر نه تنها چیز تازه ای به آن افزوده نشده است بلکه به سرعت متوقف و متروک شده است. (بیضایی، 1344)



تصویر شماره 7

شبهه خوانان در تکیه دولت (معین البکا) با در دست داشتن نسخه شبهه خوانی

موضوعات اصلی تعزیه :

الف: فرود آمدن جبرئیل برای آگاه ساختن پیغمبر(ص) از این که نوه هایش حسن(ع) و حسین(ع) توسط دشمنان دین به شهادت می رسند و سپس رحلت پیغمبر، رحلت حضرت فاطمه دختر پیغمبر و مادر حسن(ع) و حسین(ع) ، شهادت حضرت علی(ع) پسر عم پیغمبر و زهر خوراندن به امام حسن(ع) و شهادت ایشان.

ب: مردم کوفه امام حسین را پنهانی برای بدست گرفتن خلافت به کوفه دعوت میکنند. مسلم از طرف امام به کوفه میرود تا حرکت امام را خبر دهد، اما دستیاران خلیفه ی غاصب که یزید باشد دو طفل او را و سپس خودش را به شهادت می رسانند. امام با خانواده اش و سپاهی از مریدان از مکه به سوی کوفه میرود. از طرف یزید هم حرابن ریاحی با گروهی اندک و سپس شمر و ابن سعد با سپاهی بسیار برای جلوگیری از امام می آیند. محل برخورد صحرای کربلاست. حر به حقانیت امام ایمان می آورد و به نفع او می جنگد و کشته می شود. امام حسین(ع) در برابر فرستادگان یزید که رسولان ناحقند ایستادگی می کند . وعده های فریبنده آنها در او اثری ندارد . آنها آب فرات را به روی سپاه امام می بندد، محاصره طول می کشد ، امام به همراهانش می گوید که ایستادن مرگ است و مرگ در راه حق شاهراه بهشت است و همه را در ماندن یا رفتن و زیستن آزاد می گذارد . جز هفتاد و دو تن دیگر دوستانش او را تنها می گذارند . این هفتاد و دو تن هم به تدریج شهید می شوند ، عباس برادر ناتنی امام حسین(ع) هنگام آوردن آب به شهادت می رسد و پسران خواهر امام و دو پسر امام ، علی اکبر و علی اصغر نیز کشته می شوند . قاسم پسر بزرگ امام حسن(ع) با فاطمه دختر امام حسین(ع) قصد ازدواج داشتند ولی پیش از تحقق ازدواج به همراه برادرش عبدالله شهید می شود . در دهمین روز محرم امام به همه شیعیان و پیروان حقیقت وعده می دهد که در صحرای محشر شفاعت آنان را نزد خدا و پیامبر خواهد کرد ، سپس جنگ میکند و به شهادت می رسد. چادرها به غارت می رود و همه خاندان اسیر می شوند و به کوفه و شام برده می شوند و سپس افراد قبیله بنی اسد ، جسدها را به خاک می سپرند .

در این واقعه پسر امام "علی اوسط" ملقب به زین العابدین (ع) (از شهریانو، مادر ایرانی) که به واسطه ی بیماری نتوانسته بود بجنگد، زنده ماند و کمی بعد به امامت رسید. ماجرای زندگی و مشقات امام و خاندان وی به زودی موضوع تعزیه نامه های دیگری شد.

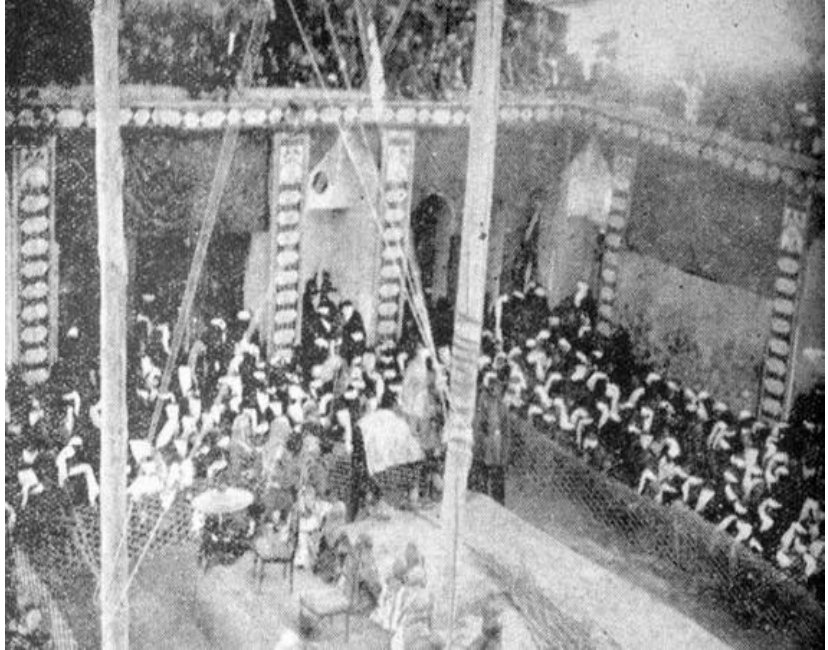
شاید ایرانیان نزدیکی به اهل بیت پیغمبر را جز اعتقاد مطلق به دین اسلام که به سرعت در بین مردم ایران زمین انتشار یافت، از آن جهت حس می کردند که یکی از یاران پیغمبر، "سلمان" اهل ایران بوده است، یا که چون پیامبر (ص) بنا بر حدیثی، از انوشیروان شاه ساسانی به احترام یاد کرده است، یا از آنرو که می گویند حضرت علی (ع) با فروش برده وار دختران اسیر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی مخالفت کرد و هر یک را با احترام به کابین یکی از بزرگان عرب در آورد. قاتل عمر (که می گفتند غاصب حق پیشوایی است) را هم "ابو لو" ایرانی میدانند و مهمتر از همه اینکه شهر بانو یکی از دختران یزدگرد سوم همسر امام حسین (ع) ایرانی بود که و مادر چهارمین امام شیعیان یعنی زین العابدین (ع) بود. و اینکه امام هشتم شیعیان نیز در ایران به خاک سپرده شده است.

پس از پیدایش سلسله صفوی در ایران و با رسمی شدن مذهب شیعه و وحدت این سرزمین و استقلال قلمروی آن تعزیه پیدایش و یا تکامل یافت. تحول و تکامل تعزیه یکی از نتایج استقلال سیاسی و مذهبی بود. صفویها از شعر و معماری مذهبی و نیز دسته های نمایشی مذهبی حمایت کردند. به همین دلیل در پایتخت صفویها یعنی اصفهان کار دسته گردانی به منتهای عظمت خود رسید. تا آنجا که تماشاگران ساکن دسته ی عظیم و صامتی را سان می دیدند که گذشتنش از بامداد تا شامگاه طول میکشید و در آن صحنه هایی به ترتیب از بدو خلقت تا زیارت کردن شیعیان از مرقد امام هشتم تدارک دیده شده بود. چنین دسته هایی تا نیم قرن پیش هنوز در اصفهان باقی بود.

در تاریخ ابن کثیر شامی آورده است که معزالدوله احمد بن بویه در بغداد در دهه ی اول محرم امر کرد تمامی بازارهای بغداد را بسته، سیاه عزا ببوشند و به تعزیه ی سیدالشهدا پرداختند. بعد از آن هر ساله تا انقراض دولت دیالمه شیعیان در ده روز اول محرم در جمیع بلاد رسم تعزیه به جا می آوردند و در بغداد تا اوایل دولت سلجوقی برقرار بود. (A LITARY HISTORY OF PERSIA از برون BROWNE جلد سوم - کمبریج - 1927 - ص 30 و 31). به طوری که احمد بن ابوالفتح در احسن القصص آورده (شماره 567 در موزه آسیایی) تعزیه در سال 963 میلادی (حدود 342 شمسی) در بغداد توسط معزالدوله ی بویه ای اجرا شد.

از دو مدرک بالا بر می آید که سیاه پوشیدن و بازار بستن در عزای امام حسین (ع) بنا به امر معزالدوله رسم یا رسمی شد. این مدارک گوینده ی این مطلب نیست که تعزیه به معنای نمایشی آن هم از این زمان معمول بوده است، خصوصا که توجه داریم یک شکل نمایشی طی زمان و به تدریج و بر پایه ی پذیرش شرایط و مردمان به وجود می آیند نه به یک باره. به هر حال معزالدوله سوگواری برای خاندان رسول را عمومی کرد، و طی هفت قرن مرحله به مرحله شکل نمایشی تعزیه یا شبیه خوانی از آن خارج شد. چگونگی این تحول را به صورت تقریبا دقیقی میتوان از یادداشتها و سفرنامه های سیاحان اروپایی استخراج کرد.





تصویر شماره 8

مراسم تعزیه خوانی در دوره قاجار



تصویر شماره 9 - شبه خوانان تکیه دولت

### پیدایش و تکامل تعزیه

ابتدا تنها دسته هایی بوده اند که به کندی از برابر تماشاچیان می گذشته اند و با سینه زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و نیز هم آوازی و همسرایی در خواندن نوحه ,ماجرای کرپلا را به مردم یادآوری میکردند . در مرحله بعدی

آوازهای دسته جمعی کمتر شد و نشانه‌ها بیشتر و یکی دو واقعه خوان ماجرای کربلا را برای تماشاگران نقل می‌کردند و سنج و طبل و نوحه آنها را همراهی می‌کرده است. چندی بعد به جای نقالان، شبیه چند تن از شهدا را به مردم نشان دادند که با شبیه سازی و لباسهای نزدیک به واقعیت می‌آمدند و مصائب خود را شرح میدادند. مرحله بعدی گفت و شنید شبیه‌ها بود با هم، و بعد پیدایش بازیگران. شاید در آخر نیم قرن دوره‌ی صفویه، تعزیه تحول نهایی خود را طی کرد و به آن شکلی که می‌شناسیم در آمد. (ادوارد مونت- مذهب و نمایش در ایران - پاریس 1887- مختصر اشاره‌ی بی به این طی مراحل کرده است) (بهرام بیضایی- کتاب نمایش در ایران - بخش تعزیه).



تصویر شماره 10

#### مراسم زنجیر زنی در تهران قدیم

تعزیه خوانان مانند روضه خوانان واقعه گو، از فراز سکوی تکیه - که نقشی همانند منبر در مسجد دارد - تاریخ قدسی و وقایع مذهبی و چگونگی مصایب اهل بیت پیامبر (ص) را با کمک کلمات و حرکات برای مردم روایت می‌کنند. وظیفه تعزیه خوان نقل تاریخ مذهبی و واقعه کربلا با زبان شعر و به شیوه نقالی و با حرکات سنجیده نمایشی است. مردم آنچه را که از مصایب امام حسین (ع) و خاندانش در پای منبر روضه خوان شنیده اند، با چشم خود در پای سکوی تعزیه خوانی می‌بینند و در ذهن مجسم می‌کنند. تعزیه خوانان بنا بر نقشی که در مجالس گوناگون تعزیه بر عهده می‌گیرند، به چند گروه تقسیم می‌شوند:

عمده ترین تعزیه خوانان که نقش‌های اصلی را در تعزیه‌های واقعه دارند اولیاء یا (موافق خوان) و مخالف خوان یا (اشقیاء) خوانده می‌شوند.

نقش‌های دیگر به دو دسته تقسیم می‌شوند: (میانه حال خوان) و تعزیه خوان‌هایی که در شبیه حیوانات نقش ایفا می‌کنند. این نقش‌ها در تعزیه‌ها از اهمیت و اعتبار کمتری برخوردارند. در این مبحث به نقش‌های مختلف در هر یک از این دسته نقش آفرینان به اختصار می‌پردازیم.

موافق خوانان: طیف گسترده‌ای از تعزیه خوانان را شامل می‌شود:

- امام خوان یا اولیاء: تعزیه خوانانی که در نقش و شبیه امام حسین (ع)، امامان (ع) و پیامبر (ص) و پیامبران دیگر در می‌آیند.



تصویر شماره 11

شبیهِ خوانان دوره قاجار

- شهادت خوان: تعزیه خوانانی که نقش حضرت عباس (ع) ، حضرت علی اکبر (ع) ، حضرت قاسم، حر و جز آنان بر عهده دارند.

3- مظلوم خوان: تعزیه خوانانی که در شبیه یاران و اصحاب امام حسین (ع) و امامان دیگر ظاهر می شوند. مانند: هانی بن عروه، حبیب بن مظاهر و جز آنان.

مخالف خوانان: به تعزیه خوانانی اطلاق می شود که نقش اشقیای را در سه دسته (شمرخوان) (تخت خوان) و (عرب) بر عهده دارند.

1- شمر خوان: شبیه سرداران سپاه اشقیای مانند: شمر، مرحب خیبری، عمرو بن عبدود و جز آنها را می نمایند. کاربرد این اصطلاح برای شخصیت های مختلف اشقیای به این سبب بوده که: اولاً شمرخوان تعزیه شهادت امام حسین (ع) معمولاً در تعزیه های دیگر نیز نقش شخصیت های شقی و مخالف را بر عهده می گرفت. ثانیاً همه شبیه هایی که نقش شخصیت های شقی را بر عهده داشتند، لباسی شبیه لباس شمر می پوشیدند. ثالثاً همه اشقیای در بد ذاتی، فساوت و بی رحمی دنباله روی شمر بودند. رابعاً همه آنان در آهنگ بیان اشعار و کلمات و نعره کشیدن و لاف زدن و اُشتلم از شمر تقلید می کردند.

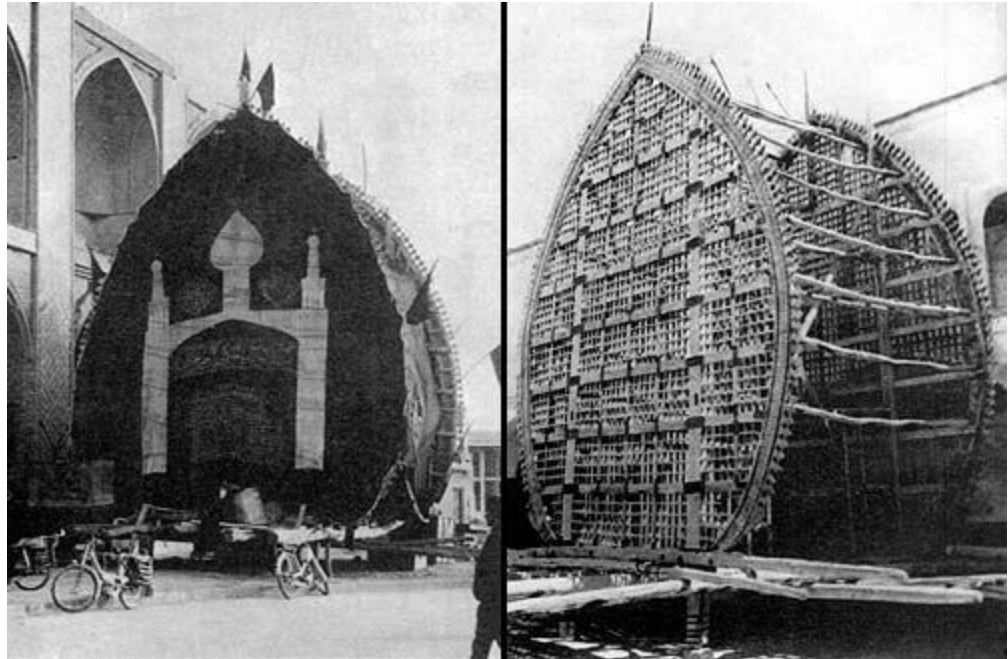


تصویر شماره 12

شبیه خوانان - اشقیا

نخل بندی و نخل گردانی

مراسم نخل بندی و نخل گردانی در شهر یزد در ماه محرم از آداب مشهور عزاداری حسینی در شهرهای کویری است که آئینی برگرفته از آئین سیاوشان می باشد. نخل گردانی یکی از آداب مشهور عزاداری برای امام سوم شیعیان در ایران است که به طور عمده در شهرهای مرکزی ایران، یزد، نائین، کاشان، فردوس و شهرها، شهرک ها و حتی برخی روستاهای مناطق کویری گرفته می شود. نخل عبارت است از اتاق کوچکی که مقطع عمودی دو طرف آن شبیه سرو است و از چوب و دیواره هایی شبکه دار ساخته می شود. نخل ها را با انواع پارچه، شال، ترمه، می آرایند و در روزهای عزا مخصوصا عاشورا آن را طی آدابی بر دوش می کشند و همراه عزاداران در شهر می گردانند. در عین حال عزاداران اطراف نخل و گرداگرد آن می چرخند و بر سر و سینه زده و شیون و گریه سر می دهند.



تصویر شماره 13

نخل



**Tabas encyclopedia**  
www.Tabasenc.ir  
[www.facebook.com/tabasencir](https://www.facebook.com/tabasencir)





طَبَس  
دانشنامه  
Tabas encyclopedia

مراسم عزاداری روز عاشورا - حسینیه خان طَبَس  
۱۹۰۶ میلادی - عکس: سون هلدین

تصویر شماره - 14- مراسم نخل گردانی در تعزیه- شهرستان طَبَس



تصویر شماره 15

مراسم نخل گردانی در شهرستان رودبار

### شباهت‌های تعزیه امام حسین (ع) و سوگ سیاوش

شواهدی آشکار و پنهان وجود دارد که این دو مراسم تاثیرات فراوانی از یکدیگر گرفته اند. شباهت نمایش تعزیه به سیاوشان در دو مورد بسیار آشکار می گردد. از آنچه که پیشتر توضیح داده شد در نمایش تعزیه، تعزیه گردانها به دو دسته اشقیا و اولیا، و یا موافق خوان و مخالف خوان تقسیم می شوند و اولیا در مدح امامان و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) اشعاری می خوانند و اشقیا در نقش دشمنان اسلام در نقش یاران یزید و شمر و ابن زیاد اشعاری را می خوانند و همانطور که گفته شد در مراسم سیاوشان نیز که بیشتر حالت نمایش داشته است تا تعزیه و در واقع از تعزیه های نمایشی بوده است، شرکت کنندگان به دو گروه تقسیم می شدند: پیروان و یا طرفداران سیاوش و طرفداران سودابه و افراسیاب و اشعاری در سوگ سیاوش و مظلومانه کشته شدن وی خوانده می شد و نیز اشعاری از حق کشی های افراسیاب و سودابه نیز خوانده می شده و تماشاگران در سوگ سیاوش برای وی می گریسته اند.

سیاوشان را عشایر نیز می گرفته اند. اطلاعات اساسی ما درباره کردها و قشقایی ها است که گویای پیکره اصلی همان چیزی است که بین مردم شهرها تعزیه سیاوش نامیده می شود و بازمانده ناقص یا تحول یافته ای از سیاوشان کهن است. (مقاله از قفقاز تا شیراز - دکتر علی حصوری 1367).

شباهت مراسم نخل گردانی یا نخل بندی در تعزیه امام حسین (ع) نیز گویای مطلب فوق است. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد نخل گردانی ادامه سیاوشان بسیار کهن است. در بررسی سیاوشان بر دیواری از کاخ پنج کند که پیشتر هم توضیح داده شد سوگواران اتاقی چادر مانند را که پیکر سیاوش و سه تن از عزاداران در آن است بر دوش می کشند. اتاق دارای پنجره هایی است که پیکر سیاوش و عزاداران از آنها پیداست. شکل شبکه دار نخل و وجود پنجره های کوچک فراوان در آن، یادآور همان اتاق چادر مانند است. و عمارتی که پیشتر نیز توضیح داده شده است شباهت بسیاری به نخل و نخل گردانی دارد. و طبق نقاشی دیواری بدست آمده از پنج کند که تصویر آن در کتاب مونگیت نیز آورده شده است، عزاداران عمارتی (کجاوه - هودج - تخت روان مانندی که تابوت مرده را در آن می گذارند که به گورستان ببرند. فرهنگ عمید) به دوش در حال گریه و زاری حرکت می کردند. اطراف عمارتی باز است و سیاوش یا شبیه سیاوش در آن خفته است.

آنچه که به جهت موضوعی قابل ذکر است، ستیز حق و باطل است، خیر و شر که به پیروزی حق علیه باطل فرجام خواهد یافت و آنکس که رضای خداوند را به رضای نفس خود ارجح بداند، جاودانه خواهد شد. و ایرانیان که در حمایت از خیر و نیکی سابقه چندین هزار ساله دارند همیشه در صدد حفظ آئین ها و مراسم مذهبی خود بوده اند و در حمایت از حق همیشه استقامت کرده و باطل را از خود رانده اند و چنین آئین های ملی و مذهبی را سینه به سینه به نسل های بعدی به ارمغان برده و در جهت حفظ آن کوشش خواهند کرد.

#### فهرست منابع :

- (۱) اصفهانی، حمزه، ملوک الارض و النبیا.
- (۲) بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، 1344، ص 21 تا 25.
- (۳) حصوری، علی، سیاوشان، نشر چشمه، تهران 1384.
- (۴) حصوری، علی، مقاله از قفقاز به شیراز، 1376.
- (۵) دانشور، سیمین، سووشون، تهران، خوارزمی، 1377.
- (۶) شهریار، خسرو، کتاب نمایش، فرهنگ واژه ها، اصطلاحات و سبکهای نمایشی، انتشارات امیر کبیر، تهران 1365.
- (۷) عمید، حسن، فرهنگ عمید، 1358.
- (۸) کیا، صادق، کین سیاوش، سیاوشان، در پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، شماره 3.
- (۹) مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده.
- (۱۰) مسکوب، شاهرخ، سوگ سیاوش.
- (۱۱) میرچا، والیاده، رساله تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش 1372.